

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۳

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال هشتم، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۹۸

اعتبارسنجی محتوایی «خسف جابیه» و «خسف حرستا» در دمشق سوریه قبل از ظهور

مصطفی امیری^۱

چکیده

چند کانون مرکزی در تحولات و حوادث قبل از ظهور و آینده جهان، وجود دارد که شناخت و رصد کردن تحولات مربوط به آنها از اهمیت زیادی برخوردار است و می‌تواند ما را در تحلیل درست رویدادها و مباحث مرتبط با آخرالزمان و ظهور امام زمان علیه السلام در علم "آینده پژوهی"، یاری دهد. این کانون‌های مرکزی عبارت است از: منطقه شام و سوریه، ایران، عراق، فلسطین و عربستان؛ کشورهای مذکور در جغرافیایی عصر ظهور و در مثلث "مکه - کوفه - قدس"، مرکز تحولات و رویدادهای مهمی خواهند بود و در آینده این کشورها، قبل از ظهور، اتفاقاتی بسیار سریع و شگفت‌آور رخ خواهد داد که تأثیرات مهمی بر امنیت منطقه‌ای و حتی جهانی خواهند گذاشت. بنابراین دیده‌بانی سیاسی و نظامی این کشورها در هر برهه‌ای از زمان، می‌تواند اهمیت استراتژیک و آینده‌پژوهانه مهدوی، داشته باشد. در این میان و در زمره سلسله حوادث قبل از به قدرت رسیدن حاکم آینده شام و سوریه در عصر ظهور (سفیانی)، خسف دمشق از اهمیت به سزایی برخوردار است. تبیین احتمالات مختلف در وقوع این حادثه، از آن جهت ضرورت دارد که به عنوان حادثه‌ای منحصر به فرد، خود نشان از مجموعه حوادثی را دارد

۱. دانش پژوه سطح چهار مرکز تخصصی موعود (Mostafaamiri1361@gmail.com).

که زمینه‌ساز به حکومت رسیدن حاکم آینده منطقه شام و حاکمی از به قدرت رسیدن شخصیت مخالف حکومت‌های شیعی ایران و عراق در سوریه قبل از ظهور دارد که تأثیر منفی بر امنیت مناطق شیعی در خاورمیانه از جمله امنیت شیعیان کشور عراق دارد. از این رو خسف دمشق در منظومه حدیثی، جزو "احادیث استراتژیک مهدوی"، محسوب می‌شود. زیرا خسف دمشق در محور جابیه و غوطه حرستا سوریه، نقطه عطف تحولات فتنه شام قبل از ظهور خواهد بود که در پی آن، دومینوی حوادث فتنه شام وارد مراحل بعدی یعنی اعلام خروج و ادعای استقلال ساکنان مناطق هم‌مرز با ترک‌ها در منطقه شام (مَارِقَةُ تَمْرُقُ مِنْ نَاحِيَةِ التُّزْكِ) و بعد از آن جنگ بین غربی‌ها و غیرمسلمانان (وَ يَغْفِيهَا هَزْجُ الرُّومِ) و سپس حمله ترک‌ها به جزیره الشام در مناطق شمال شرق سوریه (سَيُقْبِلُ إِخْوَانُ التُّزْكِ حَتَّى يَنْزِلُوا الْجَزِيرَةَ) خواهد شد.

واژگان کلیدی

مهدویت، فتنه شام، سوریه، دمشق، خسف جابیه، زلزله حرستا، سفیانی، نشانه ظهور.

اهمیت، ضرورت و جایگاه‌سنجی معطوف به بیان نشانه‌های ظهور

دیدهبانی حوادث کشورهای تأثیرگذار و نقش‌آفرین در عصر ظهور

چند کانون مرکزی در تحولات و حوادث قبل از ظهور و آینده جهان، وجود دارد که شناخت و رصد کردن تحولات مربوط به آنها از اهمیت زیادی برخوردار است و می‌تواند ما را در تحلیل درست رویدادها و مباحث مرتبط با آخرالزمان و ظهور امام عجلایه در علم "آینده‌پژوهی"، یاری دهد. این کانون‌های مرکزی عبارت است از: منطقه شام و سوریه، ایران، عراق، فلسطین و عربستان؛ کشورهای مذکور در جغرافیایی عصر ظهور و در مثلث "مکه- کوفه- قدس"، مرکز تحولات و رویدادهای مهمی خواهند بود و در آینده این کشورها، قبل از ظهور، اتفاقاتی بسیار سریع و شگفت‌آور رخ خواهد داد که تأثیرات داخلی و منطقه‌ای و حتی جهانی خواهند گذاشت. بنابراین دیدهبانی سیاسی و نظامی این کشورها در هر برهه‌ای از زمان، می‌تواند اهمیت استراتژیک و آینده‌پژوهانه مهدوی، داشته باشد. و این امر محقق نخواهد شد جز با رصد تحولات و نشانه‌های ظهور و به ویژه حوادث در "احادیث تمهید مباشر" - احادیثی که به حوادث و اتفاقات قبل از علائم و نشانه‌های حتمی ظهور، در کشور سوریه، عراق، عربستان - اشاره دارند. از این رو، شناخت این علائم، تکلیف‌آور خواهد بود (صافی

گلیپاگانی، ۱۳۸۰: ج ۳، ۳۰۳).

هم‌چنین، از نظر علم آینده‌پژوهی و مطالعه رویدادهای آینده و تحلیل آنها، هر نوع علامت و سیگنال مورد توجه قرار می‌گیرد و نمی‌توان به آنها بی‌اعتنا بود. در واقع آینده‌پژوهی در صدد ایجاد آمادگی در مردم در حالت‌ها و سناریوهای مختلف است و می‌کوشد مردم در برابر حوادث آینده غافلگیر نشده و تکالیف و مسئولیت‌های خود را فراموش نکنند (کارگر، ۱۳۸۸: ۲۸).

خسف دمشق در محور جابیه و حرستا قبل از ظهور

در زمره حوادث قبل از ظهور امام مهدی علیه السلام، در احادیث شیعه و اهل سنت، از "کثرت وقوع خسف‌هایی (صدوق، ۱۳۵۹: ج ۱، ۲۵۱) در نقاط مختلف زمین، سخن به میان آمده است که در این میان، مهم‌ترین آنها: خسف جابیه و خسف حرستا در منطقه شام، خسف بغداد در عراق، خسف بیداء در عربستان، می‌باشد. لازم به ذکر است، خسف بیداء، به عنوان "علائم حتمی" در سال ظهور و قیام امام عصر علیه السلام به وقوع خواهد پیوست (صدوق، ۱۳۵۹: ج ۲، ۶۵۰) لکن، سایر خسف‌ها، "قبل از ظهور" می‌باشد.

اکنون سخن از انگاره "وحدت یا تعدد زلزله در منطقه شام" قبل از ظهور خواهد بود. اهمیت واکاوی "احتمال" زلزله شام و به تعبیر صحیح‌تر،^۱ "خسف جابیه و حرستا دمشق" در منطقه شام، به جهت این‌که نشانه‌ای منحصر به فرد قبل از خروج سفیانی و حاکی از نزدیک بودن ظهور است، دوچندان است. به گونه‌ای که در احادیث شیعه و اهل سنت، خسف حرستا دمشق را به عنوان حادثه و نشانه‌ای "منحصر بفرده" قبل از خروج سفیانی، برجسته و به عنوان شرط خروج امام مهدی علیه السلام، گزارش شده است.^۲

اهمیت این موضوع از آن جهت ضرورت دارد که به عنوان حادثه‌ای منحصر به فرد، خود نشان از حوادثی دارد که زمینه‌ساز به حکومت رسیدن حاکم آینده منطقه شام و سوریه قبل از ظهور را دارد و تأثیر متقابلی بر امنیت مناطق شیعی در خاورمیانه خواهد داشت. و از این رو جزو "احادیث استراتژیک مهدوی"، محسوب می‌شود. زیرا خسف حرستا و جابیه در دمشق سوریه،

۱. زیرا در ادامه بیان خواهد شد، علاوه بر تفسیر خسف به زلزله، احتمالات مهم‌تر دیگری هم‌چون حمله نظامی با سلاح مرگبار و انفجارهای قوی در دمشق نیز مطرح است.

۲. حَسْفٌ قَرْبِيَّةٍ مِنْ دِمَشْقٍ يُقَالُ لَهَا حَرَسْتَا ... فَأَنْتَظِرُوا خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۰۶) لا یخرج المهدی حتی یرسب بقرية فی الغوطة تسمى حرستا (ابن منادی، ۱۴۱۸: ۱۳۴؛ سیوطی، ۱۳۸۵: ۱۷۰؛ ابن حجر، ۱۴۲۸: ۸۵) بسند صحیح علی شرط مسلم (شوشتری، ۱۴۰۹: ج ۳۳، ۹۱۶).

نقطه عطف تحولات فتنه شام خواهد بود که در پی آن، دومینوی تحولات فتنه شام وارد مراحل بعدی یعنی اعلام خروج و استقلال ساکنان مناطق هم‌مرز با ترک‌ها در منطقه شام (مَارَقَةُ تَمْرُقُ مِنْ نَاحِيَةِ التُّرْكِ)^۱ و بعد از آن جنگ بین غربی‌ها و غیرمسلمانان (وَ يَعْقُبُهَا هَرْجُ الرُّومِ)^۲ و سپس حمله ترک‌ها به مناطق شمال شرق سوریه (سَيُقْبِلُ إِخْوَانُ التُّرْكِ حَتَّى يَنْزِلُوا الْجَزِيرَةَ)^۳ خواهد شد. از این رو، شناخت ماهیت خسف دمشق، کیفیت چگونگی وقوع آن و نیز تأثیر آن بر امنیت مناطق شیعی در منطقه شام و نیز تأثیر متقابل آن بر امنیت شیعیان در خارج از مرزهای قلمرو حکومت اسلامی، همان‌طور که در ادامه بیان خواهد شد، اثرگذار خواهد بود.

خسف و زلزله جاییه - حرستا قبل از سفیانی، حاکم آینده دمشق

اکنون به بیان تفصیلی و شرح این واقعه در تحولات فتنه شام قبل از ظهور خواهیم پرداخت. توضیح این‌که: از حوادث مورد اشتراک در منابع حدیثی فریقین شیعه و اهل سنت، خسف جاییه^۴ و تخریب مسجد اموی^۵ و خسف غوطه دمشق در حرستا،^۶

۱. مَارَقَةُ الشَّامِ؛ المَرُوقُ عَنِ الشَّيْءِ: هُوَ الخُرُوجُ مِنْهُ (ابن منظور، ۱۴۲۳: ج ۱۰، ۳۴۱)، مَرَقَ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ: وَفِي تَبْرَازِ كَمَا، خَارِجٌ مِثْلُ الشَّيْءِ، بِهٖ كَوْنُهُ أَيْ كِهٖ دِيْغَرُ بِهٖ أَنْ، تَعْلُقُ نَدَارًا رَا كَوَيْنِدَ (ابن عباد، ۱۴۱۴: ج ۵، ۴۱۶). بنابراین، "مَارَقَةُ مِنَ نَاحِيَةِ التُّرْكِ" یعنی ساکنان ناحیه هم‌مرز با ترک‌ها در منطقه شام، ادعای خروج خواهند کرد هم‌چون جدا شدن تبراز کمان (مَرَقَ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ) که گویا دیگر به آن تعلق ندارد.

۲. الهَرْجُ: الاضطراب و الفتنة و القتل. (ابن منظور، ۱۴۲۳: ج ۱۵، ۶۸-۷۰). از این رو در خلال حوادث منطقه شام، وقوع هرج الروم و جنگ بین غربی‌ها، قبل از ظهور محتمل است.

۳. الْجَزِيرَةُ: إِذَا أُطْلِقَتِ الْجَزِيرَةُ فِي الْحَدِيثِ وَ لَمْ تَضَفْ إِلَى الْعَرَبِ فَإِنَّمَا يِرَادُ بِهَا مَا بَيْنَ دَجْلَةَ وَ الْفَرَاتِ (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۱، ۲۶۸). و هي التي بين دجلة و الفرات (ابن منظور، ۱۴۲۳: ج ۴، ۱۳۴) مجاورة الشام تشتمل على ديار مضرو و ديار بكر، سميت الجزيرة لأنها بين دجلة و الفرات (حموی، ۱۹۹۵: ج ۲، ۱۳۴)؛ بَعَثَ عَلِيٌّ الْأَشْتَرُ عَلَى الْمُؤَصِّلِ... وَ سِنْجَارَ... وَ مَا عَلَبَ عَلَيْهِ مِنْ تِلْكَ الْأَرْضَيْنِ مِنْ أَرْضِ الْجَزِيرَةِ وَ بَعَثَ مُعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سُفْيَانَ الصَّحَّالِكَ بْنَ قَيْسٍ عَلَى مَا فِي سُلْطَانِيهِ مِنْ أَرْضِ الْجَزِيرَةِ وَ كَانَ فِي يَدَيْهِ حَرَّانُ وَ الرَّقَّةُ وَ الرُّهَا وَ قَرْقِيسِيَا (ابن مزاحم، ۱۴۰۴: ۱۲)؛ بنابراین جزیره الشام، مناطق شمال شرق سوریه متصل به مرز عراق اعم از الحسکه، دیرالزور و الرقة در سوریه، اطلاق می‌شود.

۴. وَ تُخَسَفُ قَرْيَةٌ مِنْ قَرْيِ الشَّامِ تُسَمَّى الْجَائِيَّةَ وَ تَسْقُطُ طَائِفَةٌ مِنْ مَسْجِدِ دِمَشْقِ الْأَيْمَنِ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۹؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۵۵؛ طوسی، ۱۴۲۵: ۴۴۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۳۷).

۵. خسف بقرية بدمشق و سقط طائفة من غربی مسجدها، رفع بالشام ثلاث رايات: الأبقع و الأصهب و السفیانی (ابن حماد، ۱۴۲۳: ۱۹۵؛ کورانی، ۱۴۲۸: ج ۲، ۱۰۷) وَ تَسْقُطُ طَائِفَةٌ مِنْ مَسْجِدِ دِمَشْقِ الْأَيْمَنِ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۹؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۵۵؛ طوسی، ۱۴۲۵: ۴۴۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۳۷).

۶. لا يخرج المهدي حتى يخسف بقرية في الغوطة تسمى حرستا (ابن منادی، ۱۴۱۸: ۱۳۴؛ سیوطی، ۱۳۸۵: ۱۷۰؛ ابن حجر، ۱۴۲۸: ۸۵) بسند صحیح علی شرط مسلم (شوشتری، ۱۴۰۹: ج ۳۳، ۹۱۶).

می باشد که وقوع آن حاکی از نزدیک بودن خروج سفیانی و تسلط وی بر دمشق به عنوان حاکم آینده منطقه شام خواهد بود.^۱

خسف جابیه دمشق در کشور سوریه قبل از ظهور، در ضمن حدیث جابر جعفی از امام باقر علیه السلام از طرق مختلف و در چندین کتاب معتبر حدیثی شیعه از جمله: کتاب *الغیبه نعمانی* (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۹)، کتاب *التفسیر عیاشی* (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۶۴)، کتاب *الغیبه شیخ طوسی* (طوسی، ۱۴۲۵: ۴۴۲)، کتاب *الاختصاص* (مفید، ۱۴۱۳: ۲۵۵) و کتاب *الارشاد شیخ مفید* (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ۳۷۲)، و در منابع حدیثی متأخر هم چون *بحار الانوار* (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۱۲ و ۲۳۷)، ذکر شده است؛ لکن، کامل ترین شکل این روایت از نظر متن و سند، در کتاب *الغیبه نعمانی*، بیان شده است و حدیث از حیث سند، نیز صحیحه می باشد (رضایی آدریانی، ۱۳۹۷: ۲۲۶؛ آیتی، ۱۳۹۰: ۸۴؛ ری شهری، ۱۳۹۳: ج ۷، ۱۰۰ و ۱۲۵).

همان طور که بیان گردید، این حدیث و احادیث مشابه آن، به سلسله حوادث منطقه شام و سوریه قبل از ظهور اشاره دارد. بدین معنا که بعد از اختلاف در سرزمین شام و جنگ و خونریزی بین دو طرف عمده درگیری ها (اصهب و ابقع) در فتنه شام و جنگ سوریه، در مرحله بعدی از مراحل "قبل از خروج سفیانی" در عصر ظهور، جهان در انتظار زلزله احتمالی و به تعبیر صحیح تر خسف در محور جابیه - حرستا دمشق، خواهد بود (تخسف قریه من قری الشام تسمی الجابیه، رجفت الأرض فانقعر غربی مسجدها و یخسف بقریه یقال لها حرستا) که متعاقب آن، بخشی از مسجد جامع اموی دمشق، نیز تخریب خواهد شد (و تسقط طائفه من مسجد دمشق الایمن). و سپس سفیانی، به عنوان حاکم دمشق، وارد صحنه تحولات میدانی فتنه شام و سوریه خواهد شد که از قبل بین دو جبهه مخالف همدیگر (اصهب و ابقع) در جریان بوده است و به سرانجامی نمی رسد تا این که سفیانی، خروج کرده و بر تمام گروه ها و جریان های رقیب در صحنه تحولات فتنه شام پیروز می گردد و بر مناطق پنج گانه شام (الکور الخمس)، مسلط می شود.

توضیح بیشتر این که: بعد از اختلاف در سرزمین شام و جنگ و خونریزی بین دو طرف عمده

۱. رجفت الأرض فانقعر غربی مسجدها و یخسف بقریه یقال لها حرستا، ثم یرجع عند ذلك السفیانی. (مقدسی شافعی، ۱۴۲۸: ۸۴؛ کورانی، ۱۴۲۸: ج ۲، ۲۴۵) إِذَا اِخْتَلَفَ الرُّمَحَانُ بِالشَّامِ ... فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَأَنْظُرُوا حَسْفَ قَرِيَةٍ مِنْ دِمَشْقٍ يُقَالُ لَهَا حَرَسْتَا فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ حَرَجَ ابْنُ أَكَلَةَ الْأَكْبَادِ ... حَتَّى يَسْتَوِيَ عَلَى مِنْبَرِ دِمَشْقٍ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۰۵؛ طوسی، ۱۴۲۵: ۴۶۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۱۶ و ۲۵۳).

درگیری‌ها در فتنه شام (اِخْتَلَفَ الرُّمَحَانِ بِالشَّامِ)، و بعد از رجفة که با رحمت برای مؤمنین و عذاب برای کافرین در سوریه خواهد بود (رَجْفَةً تَكُونُ بِالشَّامِ تَهْلِكُ فِيهَا مِائَةٌ أَلْفٍ يَجْعَلُهَا اللَّهُ رَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ عَذَاباً لِّلْكَافِرِينَ)، و بعد از به صحنه آمدن ادوات جنگی پیشرفته به سوریه و تغییر موازنه قدرت بین دو طرف نزاع (أَصْحَابِ الْبِرَازِذِينَ الشُّهْبِ الْمَحْدُوفَةِ)، و نیز وارد شدن پرچم‌های زرد رنگ از مغرب الشام به صحنه تحولات میدانی فتنه شام (الرَّايَاتِ الصُّفْرِ تُقْبِلُ مِنَ الْمَغْرِبِ حَتَّى تَحُلَّ بِالشَّامِ)؛ سپس در مرحله بعدی از مراحل "قبل از خروج سفیانی" در عصر ظهور، جهان در انتظار احتمال زلزله و خسف دمشق در محور "جاییه - حرستا"، خواهد بود (خَسَفَ قَرْيَةً مِنْ دِمَشْقَ يُقَالُ لَهَا حَرَسْتَا، تُخَسَفُ قَرْيَةٌ مِنْ قَرْيِ الشَّامِ تُسَمَّى الْجَائِيَّةَ) که در اثر آن، بخشی‌های از مسجد اموی دمشق، نیز فرو می‌ریزد (وَ تَسْقُطُ طَائِفَةٌ مِنْ مَسْجِدِ دِمَشْقِ الْأَيْمَنِ).

خسف دمشق در محور "جاییه - حرستا - مسجد اموی دمشق" در کشور سوریه که قبل از حاکم آینده منطقه شام (سفیانی) به وقوع خواهد پیوست، خود علامت و نشانه‌ای است برای وقوع دیگر حوادث بعدی قبل از خروج سفیانی از جمله: آن‌گاه در مرحله بعد، ادعای خروج ساکنان منطقه‌ای در شام از سمت ترک‌ها، به وقوع می‌پیوندد (مَارِقَةٌ تَمْرُقُ مِنْ نَاحِيَةِ التُّرْكِ) ولی طولی نخواهد کشید که این آرزوی آنان، با حمله اخوان الترمک به منطقه الجزیره الشام در مناطق شمال شرقی شام، مواجه خواهد شد (سَيَقْبِلُ إِخْوَانُ التُّرْكِ حَتَّى يَنْزِلُوا الْجَزِيرَةَ).

لازم به ذکر است، همه این حوادث، قبل از به حکومت رسیدن آخرین حاکم سوریه در عصر ظهور (سفیانی) و قبل از ظهور امام مهدی علیه السلام، به وقوع می‌پیوندد (نک: نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۰۵؛ طوسی، ۱۴۲۵: ۴۶۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۱۶ و ۲۵۳؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۹؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۵۵؛ طوسی، ۱۴۲۵: ۴۴۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۳۷).

خسف جاییه و زلزله حرستا در دمشق سوریه و منطقه شام قبل از ظهور

همان‌طور که ذکر گردید، در سلسله حوادث "قبل از خروج سفیانی" در منطقه شام و کشور سوریه، در منطقه‌ای با محوریت و مرکزیت جاییه تا حرستا در نزدیکی دمشق، "خسف"، رخ خواهد داد. توضیح بیشتر این‌که: هرچند در برخی احادیث، مکان خسف و زلزله دمشق، دقیقاً، مشخص نشده است:

... خُسِفَ بَقْرِيَّةٍ مِنْ قَرَاهَا وَ يَسْقُطُ طَائِفَةٌ مِنْ مَسْجِدِهَا ... (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۶۴؛

مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۲۲):

... شهری از شهرهای شام، خسف می‌شود و بخشی از مسجد شام (مسجد اموی دمشق)، نیز فرو می‌ریزد....

لکن در احادیث دیگر، مکان و محل وقوع این خسف، به روشنی و صریحاً، بازگو شده است؛ از جمله: در روایتی از امام علی علیه السلام، در کتاب الغیبة شیخ طوسی، مکان خسف، منطقه "حرستا"^۱ در سوریه، عنوان شده است:

إِذَا اخْتَلَفَ الرُّمْحَانِ بِالشَّامِ... فَأَيُّهَا كَانَ ذَلِكَ فَانظُرُوا حَسْفَ قَرْيَةٍ مِنْ دِمَشْقٍ يُقَالُ هَا حَرَسْتَا... (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۰۵؛ طوسی، ۱۴۲۵: ۴۶۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۱۶ و ۲۵۳):

هنگامی که دو نیزه (کنایه از جنگ بین دو تفکر مخالف هم) در منطقه شام، با هم درگیر جنگ شوند (حوادثی رخ خواهد داد، از جمله...)، در انتظار خسف منطقه حرستا دمشق در سوریه باشید....

و در حدیث جابر جعفی از امام باقر علیه السلام در کتاب الغیبة نعمانی، نیز مکان خسف، منطقه "جاییه" در سوریه، معرفی شده است:

... وَحُسْفُ قَرْيَةٍ مِنْ قُرَى الشَّامِ تُسَمَّى الْجَائِيَّةَ... (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۳۷):
... و خسف در منطقه جاییه دمشق در سوریه، رخ خواهد داد....

که متعاقب آن، بخش‌هایی از مسجد اموی دمشق، نیز فرو خواهد ریخت:

... وَتَسْقُطُ طَائِفَةٌ مِنْ مَسْجِدِ دِمَشْقِ الْأَيْمَنِ... (مفید، ۱۴۱۳: ۲۵۵؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۳۷).
... و بخش‌هایی از مسجد اموی دمشق، نیز تخریب خواهد شد....

که مجموع این وقایع (خسف در محور جاییه - حرستا در دمشق سوریه و فرو ریختن بخش‌هایی از مسجد اموی)، حاکی از بسیار نزدیک بودن خروج سفیانی از جنوب سوریه، می‌باشد:

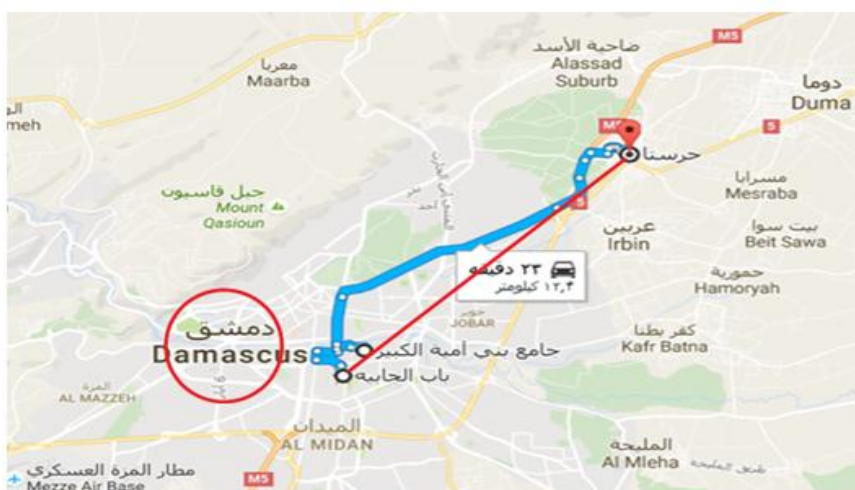
۱. حرستا: قرية كبيرة عامرة وسط بساتين دمشق على طريق حمص، بينها وبين دمشق أكثر من فرسخ وتقع شمال مدينة دمشق (حموی، ۱۹۹۵: ج ۲، ۲۴۱ و ۳۵۹) البته در برخی نسخه‌ها، خرشنا، از بلاد روم، ذکر شده که به قرینه ذکر حرستای دمشق سوریه در کتاب الغیبة نعمانی و نیز در احادیث متعدد دیگر از شیعه و اهل سنت، از این رو خرشنا، تصحیف می‌باشد (آیتی، ۱۳۹۰: ۱۹۶).

فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ خَرَجَ ابْنُ أَكَلَةَ الْأَكْبَادِ مِنَ الْوَادِي الْأَيْبِ حَتَّى يَسْتَوِيَ عَلَى مَنبَرِ دِمَشَقَ
فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَانْتَبِهُوا خُرُوجَ الْمُتَهْدِي ... (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۰۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲،
۲۱۶ و ۲۵۳):

و بعد از آن منتظر خروج سفیانی، پسر هند جگرخوار، باشید که از وادی یابس (مرز بین اردن و سوریه در استان درعا) خروج می کند تا بر دمشق دست یابد و بعد از آن منتظر ظهور و قیام امام عصر عجله باشید....

خسف و زلزله دمشق در سوریه، در منطقه جاییه یا حرستا؟؛ وحدت یا تعدد خسف؟

و اما این که در دو حدیث فوق، مکان های خسف و زلزله دمشق در کشور سوریه، در دو مکان مختلف یعنی جاییه و حرستا، ذکر شده اند، آیا موجب تعارض، نخواهد شد؟ به عبارت دیگر، سؤالی که مطرح است، این که آیا ممکن است خسف در جاییه - حرستا، دو حادثه مستقل و جداگانه باشد و در نتیجه، آیا باید در انتظار دو خسف و یا دو زلزله در سوریه بود؟ هرچند این احتمال ضعیف (تعدد خسف و زلزله) نیز در عالم احتمالات به صورت فرضیه ای، قابل طرح است، لکن با توجه به نزدیکی منطقه جاییه به حرستا، یک واقعه، خواهد بود؛ کما این که جاییه دمشق به منطقه حرستا، بسیار نزدیک می باشد (حدود ۱۰ کیلومتر) به گونه ای که عرفاً منطقه واحدی در مرکزیت و کانون زلزله، تعبیر می شود.



خط خسف محور جاییه - حرستا - مسجد اموی در دمشق

با مشاهده نقشه جغرافیایی فوق، جاییه و حرستا، بسیار به هم، نزدیک بوده و فاصله بین این دو منطقه، حدود ۱۰ کیلومتر می باشد که در حوادثی چون خسف و زلزله، معمولاً نقطه

کانونی حادثه، منطقه معینی می باشد که تا شعاع خاصی نیز گسترش پیدا می کند. از این رو، احتمال خسف واحد حاصل از زلزله، بر تعدد خسف ترجیح دارد؛ شاهد بر این مدعا، در اثر این حادثه طبیعی (زلزله و خسف) در کشور سوریه، بخش هایی از مسجد جامع اموی دمشق، نیز فرو خواهد ریخت که در ادامه حدیث به آن تصریح شده است. و از آن جا که مسجد اموی دمشق در نزدیکی منطقه جاییه، واقع شده است. در واقع، زلزله و خسف با مرکزیت "محور جاییه - حرستا" در دمشق می باشد که قبل از ظهور رخ خواهد داد (علی الصغیر، ۱۴۳۳: ج ۲، ۲۰۰).

لکن اگر خسف به معنای انفجارهای قوی در زیر زمین در این مناطق باشد، همان گونه که در ادامه و به تفصیل به معنای دقیق خسف، پرداخته خواهد شد، در این صورت احتمال دارد، خسف زمین در حرستا و جاییه، دو حادثه جداگانه و مستقل از یکدیگر باشد و آن گاه دیدگاه تعدد خسف، رجحان دارد.

خط خسف و زلزله، از حرستا تا "جاییه دمشق" در سوریه یا تا "جاییه جولان" در فلسطین؟

سؤال دیگری که مطرح خواهد شد، جاییه، در سوریه و منطقه شام، بر دو مکان مختلف، اطلاق می شود: جاییه در نزدیکی دمشق "سوریه" و جاییه جولان در نزدیکی "فلسطین"؛^۱ حال کدام، مقصود حدیث، می باشد؟ ظاهر بر این است، مقصود حدیث، جاییه در کشور سوریه، مراد است. شاهد بر این مدعا، در اثر این حادثه (زلزله و خسف) در کشور سوریه، بخشی های از مسجد جامع اموی، نیز فرو خواهد ریخت که در نزدیکی منطقه جاییه در دمشق سوریه، واقع شده است.

از این رو، این احتمال که خط زلزله و خسف قبل از خروج سفیانی را از منطقه جاییه در جولان نزدیک فلسطین تا حرستا دمشق سوریه باشد، در واقع صحیح به نظر نمی رسد. زیرا فرو ریختن مسجد اموی دمشق از شدت خسف و زلزله، حاکی از این است که منظور از جاییه، در واقع منطقه جاییه دمشق در نزدیکی مسجد جامع اموی سوریه، می باشد و نه جاییه واقع شده در جولان در نزدیکی مرز فلسطین؛ کما این که جاییه دمشق به منطقه حرستا، نیز بسیار

۱. جاییه: قرية من اعمال دمشق و احد بوابات دمشق و من هنا سمیت باب الجاییه. ثم من عمل الجیدور من ناحية الجولان قرب مرج الصفر شمالي حوران و تسمى بجاییه الجولان (حموی، ۱۹۹۵: ج ۲، ۹۱؛ بغدادی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۳۰۵).

نزدیک‌تر می‌باشد (حدود ۱۰ کیلومتر)، به گونه‌ای که عرفاً نیز به آن، منقطه واحدی در مرکزیت و کانون خسف و زلزله، تعبیر می‌شود.

احتمال زلزله جاییه جولان در فلسطین و ارتباط آن با کشف الهیکل، معبد سلیمان و تخریب الاقصی

لکن احتمال دیگری نیز مطرح است و آن این‌که: جاییه، ممکن است "جاییه جولان در مرز فلسطین" مراد حدیث باشد. هرچند این احتمال، به دلیل قرینه‌ای که ذکر گردید (تخریب بخشی از مسجد اموی در نزدیکی جاییه دمشق) بسیار بعید و ضعیف است؛ لکن در دائره احتمال و امکان، باقی است.



برخی به خسف از جاییه جولان نزدیک فلسطین تا حرستا در سوریه، معتقد شده اند که بسیار بعید است

در تقویت این احتمال، ممکن است به حدیث منفرد "کشف الهیکل" در کتاب سروراهل الایمان، نیز استناد شود که در پی زلزله ویرانگر در فلسطین و خسف جاییه جولان، یهودیان ساکن فلسطین قبل از ظهور،^۱ از هرج و مرج ناشی از زلزله و خسف، درصدد بهره‌برداری برای مقاصد شوم خویش برآیند. از این رو، اشاره به خسف جاییه در منطقه شام و ذکر نشدن آن در کنار خسف حرستا، دلالت بر این دارد که جاییه جولان در فلسطین مراد می‌باشد.

علی‌ایحال، اگر مراد از جاییه، جاییه فلسطین باشد و زلزله بخش‌های وسیعی از منطقه شام از حرستا در دمشق تا جاییه در فلسطین را شامل شود، ممکن است یهودیان در آخرالزمان، از

۱. درباره نقش یهود قبل از ظهور، مراجعه کنید به: پورسیدآقایی، ۱۳۹۶: ۴۲.

"زلزله منطقه شام قبل از ظهور"، سوءاستفاده کرده و با ترفندهایی، موجبات کشف الهیکل ادعایی خویش را نیز فراهم کنند. اما این که، بتوانند بعد از رونمایی، نیز خواسته خویش را به مرحله عمل و واقعیت نیز برسانند و مسجدالاقصی را تخریب نمایند، در احادیث اسلامی، سخنی به میان نیامده است و تنها به کشف و رونمایی از معبد الهیکل، اشاره شده است. از این رو، طبق دیدگاه وقوع زلزله و خسف در جاییه جولان فلسطین، ممکن است ارتباط معناداری با حدیث کشف الهیکل داشته باشد.

به هر حال، اگر جاییه جولان در فلسطین، مراد باشد - که بسیار بعید است -، ممکن است محور زلزله منطقه شام قبل از ظهور، از "جاییه فلسطین تا حرستا در سوریه" باشد و یا روایات به دو حادثه جداگانه و مستقل از هم (خسف حرستا در سوریه و نیز خسف جاییه در سوریه یا جاییه در فلسطین) اشاره دارد. لکن همان طور که بیان گردید، این دیدگاه تضعیف می شود، زیرا اشارات متعدد بر تخریب بخش هایی از مسجد اموی در نزدیکی جاییه دمشق، نشانگر این است که جاییه جولان در فلسطین مراد نیست بلکه جاییه دمشق در نزدیکی مسجد اموی، مراد حدیث می باشد.

خسف دمشق در احادیث اهل سنت

بعد از بیان تفصیلی خسف دمشق در منابع معتبر شیعی، نوبت بررسی آن در منابع اهل سنت می رسد. همان گونه که بیان گردید، از حوادث مورد اجماع در منابع حدیثی فریقین شیعه و اهل سنت، خسف جاییه^۱ و تخریب مسجد اموی^۲ و خسف غوطه دمشق در حرستا،^۳ قبل از ظهور می باشد. و وقوع آن، حاکی از نزدیک بودن خروج سفیانی و تسلط وی بر دمشق به عنوان حاکم آینده دمشق خواهد بود.^۴

۱. وَ تُخَسَفُ قَرْيَةٌ مِنْ قُرَى الشَّامِ تُسَمَّى الْجَائِيَّةَ وَ تَسْقُطُ طَائِفَةٌ مِنْ مَسْجِدِ دِمَشْقِ الْأَيْمَنِ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۹؛ مفید،

۱۴۱۳: ۲۵۵؛ طوسی، ۱۴۲۵: ۴۴۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۳۷).

۲. و خسف بقرية بدمشق و سقط طائفة من غربي مسجدها، رفع بالشام ثلاث رايات: الأبقع والأصهب والسفياني (ابن حماد، ۱۴۲۳: ۱۹۵؛ کورانی، ۱۴۲۸: ج ۲، ۱۰۷).

۳. لا يخرج المهدي حتى يخسف بقرية في الغوطة تسمى حرستا (ابن منادی، ۱۴۱۸: ۱۳۴؛ سیوطی، ۱۳۸۵: ۱۷۰؛ ابن حجر، ۱۴۲۸: ۸۵؛ کورانی، ۱۴۲۸: ج ۲، ۲۴۶).

۴. رجفت الأرض فانقرع غربي مسجدها و يخسف بقرية يقال لها حرستا، ثم يخرج عند ذلك السفياني (مقدسی شافعی، ۱۴۲۸: ۸۴؛ کورانی، ۱۴۲۸: ج ۲، ۲۴۵).

البته خسف جابیه، هرچند فقط در منابع شیعی ذکر شده است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۹؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۵۵؛ طوسی، ۱۴۲۵: ۴۴۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۵۲؛ ۲۳۷)؛ لکن خسف حرستا و تخریب مسجد اموی در نزدیکی جابیه دمشق، در منابع فریقین شیعه و اهل سنت ذکر شده است. بنابراین، ذکر حوادث خسف در منطقه شام، قبل خروج سفیانی، اختصاص به منابع حدیثی شیعه ندارد، بلکه مضمون آن هم چون خسف غوطه دمشق (خسف حرستا در سوریه)، نیز در احادیث اهل سنت، متعدد و فراوان، ذکر شده است؛ از جمله:

رجفت الأرض فانقرع غری مسجدها و یخسف بقریة یقال لها حرستا، ثم یخرج عند ذلك السفیانی (ابن حماد، ۱۴۲۳: ۱۸۱؛ مقدسی شافعی، ۱۴۲۸: ۸۴؛ کورانی، ۱۴۲۸: ج ۲، ۲۴۵).

زلزله رخ می دهد و سمت غرب مسجد نیز در زمین فرو می رود و آبادی که به آن حرستا گویند در زمین فرو می رود و بعد از آن، سفیانی خروج می کند.

لا ینخرج المهدي حتی یخسف بقریة فی الغوطة تسمى حرستا (ابن منادی، ۱۴۱۸: ۱۳۴؛ سیوطی، ۱۳۸۵: ۱۷۰؛ ابن حجر، ۱۴۲۸: ۸۵؛ کورانی، ۱۴۲۸: ج ۲، ۲۴۶).

امام مهدی علیه السلام خروج نمی کند تا این که آبادی در غوطه دمشق که به آن حرستا گویند در زمین فرو رود.

... و خسف بقریة بدمشق و سقط طائفة من غری مسجدها، رفع بالشام ثلاث رایات: الأبقع و الأصهب و السفیانی... (ابن حماد، ۱۴۲۳: ۱۹۵؛ کورانی، ۱۴۲۸: ج ۲، ۱۰۷)؛

... و پس از خسف و فرورفتن منطقه ای در دمشق و فروریختن بخش غربی مسجد دمشق، سه پرچم در منطقه شام، برافراشته می شود: ابقع، اصهب و سفیانی...

از عمار یاسر، صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در کتاب الغیبة شیخ طوسی به نقل از منابع اهل سنت، نیز چنین نقل شده است:

إِنَّ دَوْلَةَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَهِيَ أَمَارَاتٌ... وَيُنَادِي مُنَادٍ عَنْ سُورِ دِمَشَقَ وَيُلِّ لِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ شَرِّ قَدِ اقْتَرَبَ وَيُخَسِّفُ بَعْرِيَّ مَسْجِدِهَا حَتَّى يَخْرَجَ حَائِطُهَا وَيُظْهِرُ ثَلَاثَةَ نَفَرٍ بِالشَّامِ كُلُّهُمْ يَطْلُبُ الْمُتْلِكَ رَجُلٌ أَبْقَعٌ وَرَجُلٌ أَصْهَبٌ وَرَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ أَبِي سُفْيَانَ يَخْرُجُ فِي كَلْبٍ وَيَحْضُرُ النَّاسُ بِدِمَشَقَ... (طوسی، ۱۴۲۵: ۴۶۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۵۲؛ ۲۰۸)؛ و مشابه آن: طوسی، ۱۴۲۵: ۴۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۵۲؛ ۲۱۲)؛

حکومت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آخر الزمان، نشانه هایی دارد و از جمله نشانه ها: ... و منادی در دمشق ندا می دهد: وای بر اهل زمین از شری که نزدیک شده است و قسمت

غربی مسجد اموی دمشق، به زمین فرومی‌رود، به طوری که دیوارش، خراب و ویران می‌شود. سپس در شام، سه جریان، قیام می‌کنند که همگی نیز خواهان حکومت و فرومانروایی هستند: ابقع، اصبه و سفیانی (اسامی رمز، می‌باشد)، سفیانی، از منطقه کلب (جنوب سوریه)، خروج می‌کند و مردم را در دمشق، جمع می‌کند... .

مشابه حدیث فوق را، دیگر علمای اهل سنت از جمله: مقدسی شافعی در کتاب *عقد الدرر فی أخبار المنتظر* (مقدسی شافعی، ۱۴۲۸: ۷۶ و ۱۵۵) و نیز ابو عمرو دانی در کتاب *السنن الواردة فی الفتن* (دانی، ۱۴۱۶: ج ۴، ۹۳۶) نیز ذکر کرده‌اند.

بنابراین، حادثه خسف در محور جابیه - حرستا و تخریب بخش‌هایی از مسجد اموی دمشق در کشور سوریه، در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت، ذکر شده است و از نقطه نظر "تحولات میدانی منطقه شام در عصر ظهور"، خبر از خروج قریب الوقوع "سفیانی" به عنوان حاکم آینده منطقه شام و سوریه را تداعی می‌کند (ثم یخرج عند ذلك السفیانی) که مورد حمایت مثلث "روم"، یهود^۱ و خاندان آل فلان حاکم بر عربستان^۲ و محور "غربی، عبری و عربی"، می‌باشد. اما فاصله بین خسف تا خروج سفیانی، معلوم و مشخص نیست.

حجم خسارات خسف و زلزله دمشق

در احادیث، به حجم خسارات و تخریب در اثر خسف و زلزله "جابیه - حرستا در دمشق کشور سوریه"، اشاره‌ای نشده است. اما دو احتمال مطرح است: اول این که، ممکن است هرچند کانون زلزله در سوریه و در محور جابیه - حرستا در دمشق باشد؛ لکن حجم وسیعی از مناطق خاورمیانه و دیگر کشورها را نیز در برگیرد. هم چون زلزله در کشوری خاص، که دیگر کشورهای همجوار را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۱. سفیانی، مورد حمایت غربی‌ها است: *يُقِيلُ السُّفْيَانِيُّ مِنْ بِلَادِ الرُّومِ مُنْتَصِرًا فِي عُنُقِهِ صَلِيبٌ وَهُوَ صَاحِبُ الْقَوْمِ* (طوسی، ۱۴۲۵: ۴۶۳).

۲. سفیانی، مورد حمایت یهود است: *إِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا (اسراء: ۸)*، *يَعْنِي إِنْ عُدْتُمْ بِالسُّفْيَانِيِّ عُدْنَا بِالْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ*. (قمی، ۱۳۶۳: ج ۲، ۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۴۶).

۳. سفیانی، هم پیمان خاندان آل فلان حاکم در عربستان است: *فَيَنْتَدِرُ الْحَسَنِيُّ إِلَى الْخُرُوجِ فَيُثَبِّعُ عَلَيْهِ أَهْلَ مَكَّةَ فَيَقْتُلُونَهُ وَ يَنْعَثُونَ بِرَأْسِهِ إِلَى الشَّامِ... وَ يَنْعَثُ الشَّامِيَّ عِنْدَ ذَلِكَ جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ* (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۲۲۵) این هماهنگی در به شهادت رساندن سید حسنی که نفس زکیه می‌باشد (ر.ک: آیتی، ۱۳۹۰: ۲۳۴) که به ارتباط عمیق خاندان حاکم در عربستان با حاکم سوریه و منطقه شام در سال ظهور دارد که متعاقب آن، سفیانی، لشکر نظامی را به مدینه اعزام ولی در منطقه بیداء، خسف خواهد شد.

و نیز احتمال دارد تنها به شعاع محدودی در کشور سوریه، ختم شود. طبق این احتمال، زلزله دمشق، منطقه خاصی از جاییه تا حرستا در سوریه تا شعاع ۱۰ کیلومتر را پوشش خواهد داد، و طبیعتاً، مساحت بزرگی را دربر نمی‌گیرد. بنابراین، موجب تغییرات اساسی و تغییر در واقعیات میدانی در جنگ بین دو گروه در شام، نخواهد شد.

مفهوم خسف در محور جاییه - حرستا در کشور سوریه

احتمال اول: خسف، یکی از آثار زلزله است

تصویر اصلی از "خسف جاییه و حرستا در دمشق سوریه در منطقه شام قبل از ظهور"، به تفصیل بررسی و بیان گردید. اما در ادامه به بیان برخی جزئیات و حواشی آن، نیز خواهیم پرداخت. از جمله: هر چند تاکنون، خسف^۱ جاییه - حرستا در سوریه، به زلزله، معنا و تفسیر گردید (علی الصغیر، ۱۴۳۳: ج ۲، ۲۰۲؛ کورانی، ۱۳۸۲: ۱۰۶) لکن آیا هر خسفی، در احادیث و منظومه معارف مهدوی، به معنای زلزله خواهد بود؟ و یا احتمالات دیگر، نیز مطرح است؟ به عبارت دیگر، تعبیر "خسف" در منظومه معارف مهدوی، آیا همیشه باید اثرات ناشی از زمین لرزه، معنا شود؟

در استعمالات قرآنی، معنای «خسف» به معنای فرو رفتن در زمین همراه لرزش زمین است و از فرو رفتن در زمین به همراه حرکات رفت و برگشت یاد شده است: «أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورٌ» (ملک: ۱۶) که بر زلزله منطبق است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۹، ۳۵۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲۴، ۳۳۹؛ طوسی، ۱۴۰۹: ج ۱۰، ۶۵) لکن نکته مهم، این است که هر خسف، لزوماً زلزله به شمار نمی‌رود.

و هر چند شواهدی بر "رجفُ الارض" در منطقه جاییه و متعاقب آن فرو ریختن مسجد دمشق، که در ادامه به تفصیل به آن اشاره خواهد شد، نشان از این دارد که خسف در منطقه شام، به معنای زلزله و اثری از آن می‌باشد، به این معنا که زلزله‌ای در سوریه قبل از ظهور رخ می‌دهد که در اثر آن، مناطقی در این کشور نیز از جاییه تا حرستا، دچار خسف و فرو رفتگی در زمین می‌گردند؛ لکن خسف بما هو خسف، در دیگر احادیث مهدوی، کماکان مبهم است؛ و به طور قاطع نمی‌توان اظهار نظر کرد که هر خسفی در منظومه احادیث مهدوی، قطعاً به معنای

۱. خسف در لغت، به معنای فرو رفتن در زمین است. خسف المكان: ذهب فی الارض (جوهری، ۱۳۷۶: ج ۴، ۱۳۹۴) الخسف: غموض ظاهر الارض (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۲، ۱۸۰).

زلزله می باشد و لا غیر.

زیرا، خسف، اخص از زلزله است و هر زلزله ای به خسف، منتهی نمی شود. و اگر زلزله ای منجر به فرو رفتن زمین شود، به آن خسف، نیز گفته می شود. و چه بسا خیلی از زلزله ها که اتفاق می افتد، اما منجر به تخریب و فرورفتن زمین نمی شود و تنها رانش زمین، خواهد بود. اما قدر مشترک بین خسف و زلزله، این است که هر دو، وقوع حادثه ای در سطح زمین، خواهند بود؛ بنابراین، زلزله با خسف، گاهی فرق دارد. زیرا زلزله، حرکتی است از اعماق زمین که گاهی به سطح زمین می رسد و گاهی نمی رسد. هم چنین زلزله گاهی منجر به تخریب در سطح خارجی زمین می شود و گاهی نمی شود. و اگر زلزله منجر به فرورفتن زمین نیز گردد، به آن خسف هم گفته می شود؛ حال اگر خسف، زلزله نباشد، آیا ممکن است تخریب سطح زمین در اثر انفجار و حمله نظامی، نیز باشد؟

لکن در حدیثی از منابع اهل سنت، ابتدا رجفۀ الارض (زلزله) رخ می دهد و متعاقب آن خسف حرستا حادث می شود که ناشی از رجفۀ الارض است:

یدخل أوائل أهل المغرب مسجد دمشق، فبینا هم ینظرون فی أعاجیبه، إذ رجفت الأرض فانقعر غربی مسجدها، و یخسف بقریة یقال لها: حرستا، ثم یمخرج عند ذلك السفیانی فیقتملهم حتی یدخلهم مصر، ثم یرجع فیقتمل أهل المشرق حتی یردهم إلى العراق (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۲، ۲۱۶؛ مقدسی شافعی، ۱۴۲۸: ۸۴؛ کورانی، ۱۴۲۸: ج ۲، ۲۴۵)؛ هنگامی که اهل مغرب، وارد مسجد دمشق می شوند و با کمال تعجب، به عجایب آن می نگرند، ناگهان زمین می لرزد و بخش غربی مسجد اموی دمشق، فرومی ریزد و منطقه حرستا در دمشق سوریه نیز خسف می شود، بعد منتظر خروج سفیانی باشید. سفیانی ابتدا با اهل مغرب می جنگد تا این که آنان به مناطق خویش بازمی گردند؛ سپس سفیانی، برمی گردد و این بار با نفوذ اهل مشرق مقابله کرده تا این که اهل مشرق نیز مجبور به عقب نشینی به سمت مناطق شیعی عراق می شوند.

مضمون این حدیث در احادیث معتبر شیعی نیز ذکر شده است:

... حُسْفٌ بِقَرْیَةِ مِنْ قُرَاهَا وَ یَسْقُطُ طَائِفَةٌ مِنْ مَسْجِدِهَا (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۲۲) وَ یُخْسَفُ بَعْرَبِیِّ مَسْجِدِهَا حَتَّى یَحْرَ حَاظُهَا (طوسی، ۱۴۰۹: ۴۶۳) حُسْفٌ قَرْیَةٍ مِنْ دِمَشْقَ یُقَالُ لَهَا حَرْسْتَا... (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۰۵؛ طوسی، ۱۴۲۵: ۴۶۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۱۶ و ۲۵۳).

رجفه الارض و خسف حرستا و تخریب بخشی از مسجد دمشق در حدیث اهل سنت، دقیقاً عبارۀ آخری حدیث خسف حرستا و تخریب بخشی از مسجد دمشق در حدیث کتاب الغیة نعمانی و الغیة شیخ طوسی است. از این رو، خسف در منطقه شام قبل از ظهور، به معنای رجفه الارض و زلزله خواهد بود.

در فرض عدم قبول دیدگاه فوق، لااقل در برخی احادیث مرتبط به حوادث منطقه شام، صراحتاً از زلزله و "رجفه الارض" در نزدیکی مسجد اموی دمشق، سخن به میان آمده است که متعاقب آن برخی مناطق هم چون حرستا در دمشق سوریه نیز خسف خواهد شد (رجفت الارض فانقعر غربی مسجدها و یخسف بقریة یقال لها حرستا).

به هر حال، زلزله در سوریه قبل از ظهور، چه ویرانگر باشد و مساحت وسیعی را دربرگیرد و چه آرام در شعاع محدود؛ موجب وقوع دو نشانه ای خاص یعنی خسف و فرورفتن زمین در منطقه جابیه - حرستا در دمشق و نیز تخریب بخش هایی از مسجد اموی دمشق، می گردد؛ اما آن چه باعث تمییز آن از دیگر زلزله ها در طول تاریخ و تلقی آن به عنوان نشانه منحصر به فرد قبل از ظهور، می شود، وقوع حوادثی بعد از آن هم چون: مارقه تمرق من ناحیه الترك و هرج الروم، می باشد.

احتمال دوم: آیا ممکن است خسف دمشق، ناشی از انفجار در زیر زمین و یا حمله نظامی باشد؟

سؤالی که مطرح است، این که، آیا ممکن است خسف در جابیه - حرستا، حادثه طبیعی و زلزله نبوده، بلکه حاصل از انفجار باشد که در نتیجه آن، زمین در مناطقی از سوریه (حرستا و جابیه)، خسف و تخریب قوی شود؟ هرچند این احتمال ضعیف نیز در عالم احتمالات به صورت فرضیه ای، قابل طرح است، لکن با توجه به آن چه که بیان گردید، مراد از جابیه به دلیل قرینه "تخریب شدن مسجد جامع اموی" در اثر خسف، جابیه دمشق می باشد و نه جابیه جولان و به دلیل نزدیکی جابیه به حرستا، یک واقعه و حادثه، خواهد بود؛ از این رو، هر حادثه ای باید در محور جابیه تا حرستا و به فاصله ۱۰ کیلومتر باشد. از طرفی، خسارت ناشی از انفجار و حمله نظامی، نمی تواند این حجم از مساحت را پوشش دهد مگر این که سلاحی کشنده و مرگبار که علاوه بر قتل انسان ها، منجر به تخریب وسیع طولانی زمین از جابیه تا حرستا گردد. مضاف بر این که، در احادیث، سخن از خسف می باشد که ظاهر و تبادر از این

لفظ، حادثه طبیعی در زمین می‌باشد که زمین از سطح به سمت پایین، شکاف برمی‌دارد و مهم‌تر از آن، این‌که، همان‌طور که بیان گردید، در حدیث دیگری صراحتاً به "رجفه الارض" نیز تصریح شده است. از این رو، احتمال حمله نظامی با سلاح مرگبار که علاوه بر قتل و کشتار انسان‌ها در محور جاییه حرستا در دمشق سوریه، نیز در اثر حمله با این سلاح، مناطقی از سطح زمینی نیز خسف می‌شود را کاملاً منتفی می‌نماید و معنای آن، در حادثه طبیعی (زلزله و خسف)، منحصر خواهد شد:

اما هرچند فرضیه خسف زمین در حرستا و جاییه، ناشی از حمله نظامی با سلاح مرگبار، ضعیف می‌باشد، اما احتمالی دیگری نیز وجود دارد و آن این‌که: خسف حرستا در غوطه دمشق و نیز خسف جاییه و حادثه مستقل جداگانه بوده و ناشی از انفجارهای قوی در زیر زمین باشد. این احتمال با عبارت رجفه الارض نیز مطابق خواهد داشت. زیرا انفجار از عمق زمین، باعث خسف، لرزش و اضطراب در سطح زمین در این مناطق نیز رخ خواهد داد. از این رو، طبق این احتمال، برخلاف دیدگاه مشهور که وقوع زلزله دمشق در سوریه قبل از ظهور را تبلیغ و ترویج می‌کنند، منطقه شام، شاهد وقوع هیچ زلزله‌ای قبل از ظهور نخواهد بود، بلکه تعبیر دقیق و صحیح همان‌گونه که در احادیث نیز ذکر شده است، خسف حرستا در غوطه و جاییه دمشق خواهد بود.

بنابراین، شایسته است، به جای تعبیر "احتمالی" زلزله دمشق، عبارت دقیق و تعبیر "قطعی" خسف دمشق استعمال گردد، تا زین پس، موجب اشتباه در فهم احادیث اهل بیت، نگردد؛ و ممکن است سفیانی خروج کرده، اما قبل از ظهور، هیچ زلزله‌ای در منطقه شام و سوریه رخ ندهد.

خسف جاییه - حرستا در دمشق سوریه، حادثه‌ای "منحصربه‌فرد" قبل از ظهور

همان‌گونه که بیان گردید، وقوع خسف در جاییه و خسف غوطه دمشق در حرستا و متعاقب آن، فروریختن بخش‌هایی از مسجد اموی دمشق، از شاخصه‌های منحصر به فرد قبل از خروج سفیانی، از طرف اهل بیت، معرفی شده است:

رجفت الأرض فانقرع غربی مسجدها و یخسف بقرية یقال لها حرستا، ثم یرج عند ذلك السفیانی (ابن حماد، ۱۴۲۳: ۱۸۱؛ مقدسی شافعی، ۱۴۲۸: ۸۴؛ کورانی، ۱۴۲۸: ج ۲، ۲۴۵).

... زمین تکان می‌خورد و سمت غرب مسجد در زمین فرو می‌رود و آبادی که به آن حرستا گویند در زمین فرو می‌رود و بعد از آن، سفیانی خروج می‌کند.

إِذَا اخْتَلَفَ الرَّجُلَانِ بِالشَّامِ... فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَانظُرُوا خَسْفَ قَرْيَةٍ مِنْ دِمَشْقٍ يُقَالُ هَذَا حَرَسْتًا... وَخُسْفٌ قَرْيَةٌ مِنْ قُرَى الشَّامِ تُسَمَّى الْجَابِيَةَ... (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۳۷) وَتَسْقُطُ طَائِفَةٌ مِنْ مَسْجِدِ دِمَشْقِ الْأَيْمَنِ... (مفید، ۱۴۱۳: ۲۵۵؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۳۷) فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ خَرَجَ ابْنُ أَكْلَةَ الْأَكْبَادِ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ حَتَّى يَسْتَوِيَ عَلَى مِئْبَرِ دِمَشْقٍ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَانظُرُوا خُرُوجَ الْمُهْدِيِّ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۰۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۱۶ و ۲۵۳)؛

هرگاه بین دو نیزه اختلاف شد (کنایه از جنگ بین دو جریان مقابل هم) ... منتظر زلزله و خسف منطقه حرستا در دمشق سوریه باشید... و نیز خسف در منطقه جابیه دمشق در سوریه، رخ خواهد داد ... و در اثر آن، بخش‌هایی از مسجد اموی دمشق نیز تخریب می‌شود ... بعد، منتظر خروج سفیانی باشید که حاکم دمشق، خواهد شد ... و بعد از آن، منتظر ظهور امام مهدی علیه السلام باشید.

حال، سؤالی بسیار مهمی که مطرح می‌شود، این‌که: چرا خسف و زلزله که قابلیت تکرار در طول تاریخ دارد، به عنوان نشانه‌ای منحصر به فرد برای نزدیکی ظهور، قلمداد شده است؟ آیا این حادثه با احتساب حوادث قبل و بعد از آن، در طول تاریخ اسلام نیز تکرار شده است؟ خیر؛ از آن‌جا که، مجموع این حوادث (خسف در محور جابیه - حرستا و فرو ریختن مسجد اموی دمشق) علاوه بر وقوع حوادث بعد از ادعای خروج ساکنان منطقه‌ای در شام از سمت و ناحیه ترک‌ها (مَارِقَةُ تَمْرُقُ مِنْ نَاحِيَةِ التُّرْكِ)، و نیز اختلاف، قتل بین رومی‌ها و چه بسا جنگ جهانی (و يَعْقُبُهَا هَرْجُ الرُّومِ)، و سپس حمله اخوان التُّرْكِ به منطقه جزیره الشام در شمال شرق سوریه (سَيَقْبِلُ إِخْوَانُ التُّرْكِ حَتَّى يَنْزِلُوا الْجَزِيرَةَ)^۱ در طول تاریخ و مجموعاً، با هم واقع نشده است، باعث تمایز این زلزله از دیگر زلزله‌های تاریخ سوریه و دمشق خواهد بود و از این رو، به عنوان حادثه و نشانه‌ای "منحصر به فرد" قبل از خروج سفیانی، در سخنان اهل بیت، برجسته و متمایز شده است. و در برخی احادیث، نیز به عنوان شرط خروج امام مهدی علیه السلام گزارش شده است.^۲

۱. وَخُسْفٌ قَرْيَةٌ مِنْ قُرَى الشَّامِ تُسَمَّى الْجَابِيَةَ وَتَسْقُطُ طَائِفَةٌ مِنْ مَسْجِدِ دِمَشْقِ الْأَيْمَنِ وَمَارِقَةُ تَمْرُقُ مِنْ نَاحِيَةِ التُّرْكِ وَ يَعْقُبُهَا هَرْجُ الرُّومِ وَ سَيَقْبِلُ إِخْوَانُ التُّرْكِ حَتَّى يَنْزِلُوا الْجَزِيرَةَ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۳۷).
 ۲. خَسْفَ قَرْيَةٍ مِنْ دِمَشْقٍ يُقَالُ لَهَا حَرَسْتًا... فَانظُرُوا خُرُوجَ الْمُهْدِيِّ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۰۶) لا يخرج المهدي حتى

از این رو، منشاء خسف دمشق در حرستا و جابیه، هرچه باشد، خواه زلزله طبیعی و خواه زلزله مصنوعی و خواه انفجار مواد منفجره در لایه‌های زیرین زمین و یا حمله نظامی با سلاح مرگبار، حادثه‌ای شگرف و منحصر به فرد در تاریخ منطقه شام و سوریه خواهد بود. هم‌چنان‌که با مراجعه به کتب تاریخ و جغرافیا، تاکنون خسف و زلزله‌ای از صدر اسلام تا زمان حاضر، در مناطق جابیه و حرستا در دمشق سوریه، با ویژگی‌های مذکور در حدیث منقول از امام باقر علیه السلام در *الغیة نعمانی*، ثبت و گزارش نشده است.

نتیجه گیری

خسف دمشق در محور جابیه و غوطه حرستا سوریه (وَ تُخَسَفُ قَرْيَةٌ مِنْ قَرْيِ الشَّامِ تُسَمَّى الْجَابِيَّةَ وَ تَسْقُطُ طَائِفَةٌ مِنْ مَسْجِدِ دِمَشْقِ الْأَيْمَنِ) نقطه عطف تحولات فتنه شام قبل از ظهور خواهد بود که در پی آن، دومینوی حوادث فتنه شام وارد مراحل بعدی یعنی اعلام خروج ساکنان مناطق هم‌رز با ترک‌ها در منطقه شام (مَارِقَةٌ تَمْرُقُ مِنْ نَاحِيَةِ التُّرْكِ) و بعد از آن جنگ بین غربی‌ها و غیرمسلمانان (وَ يَعْقُبُهَا هَزْجُ الرُّومِ) و سپس حمله ترک‌ها به جزیره الشام در مناطق شمال شرق سوریه (سَيُفِيلُ إِخْوَانُ التُّرْكِ حَتَّى يَنْزِلُوا الْجَزِيرَةَ) خواهد شد.

یخسف بقریة فی الغوطة تسمى حرستا (ابن منادی، ۱۴۱۸: ۱۳۴؛ سیوطی، ۱۳۸۵: ۱۷۰؛ ابن حجر، ۱۴۲۸: ۸۵) بسند صحیح علی شرط مسلم (شوشتری، ۱۴۰۹: ج ۳۳، ۹۱۶).

منابع

قرآن کریم

- آیتی، نصرت الله، *تاملی در نشانه های حتمی ظهور*، قم، مؤسسه آینده روشن، اول، ۱۳۹۰ ش.
- ابن اثیر، محمد بن مبارک، *النهاية في غريب الحديث*، تحقیق: محمود محمد طناحی، قم، اسماعیلیان، چهارم، ۱۳۶۷ ش.
- ابن حجر، احمد بن محمد، *القول المختصر في علامات المهدي المنتظر*، دمشق، دارالتقوی، اول، ۱۴۲۸ ق.
- ابن حمّاد، نعیم، *الفتن*، تحقیق: مجدی بن منصور، بیروت، دارالکتب العلمیة، دوم، ۱۴۲۳ ق.
- ابن عباد، اسماعیل، *المحیط فی اللغة*، تحقیق: محمد حسن آل یاسین، بیروت، عالم الکتاب، اول، ۱۴۱۴ ق.
- ابن عساکر، علی بن الحسن، *تاریخ مدینه دمشق*، بیروت، دارالفکر، اول، ۱۴۱۵ ق.
- ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، اول، ۱۴۰۴ ق.
- ابن مزاحم، نصر، *وقعه صفین*، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتبة آية الله مرعشی نجفی، دوم، ۱۴۰۴ ق.
- ابن منادی، احمد بن جعفر، *الملاحم*، تحقیق: عبدالکریم عقیلی، قم، دارالسیره، اول، ۱۴۱۸ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر، سوم، ۱۴۲۳ ق.
- بغدادی، صفی الدین، *مراصد الإطلاع على أسماء الامکنة*، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت، دارالجمیل، اول، ۱۴۱۲ ق.
- پورسیدآقای، سیدمسعود، «مواجهه امام زمان با قوم یهود در عصر ظهور»، *فصل نامه مشرق موعود*، ش ۴۲، ۱۳۹۶ ش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح*، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم، اول، ۱۳۷۶ ق.
- حموی، یاقوت بن عبدالله، *معجم البلدان*، بیروت، دارصادر، دوم، ۱۹۹۵ م.

- دانی، عثمان بن سعید، *السنن الواردة فی الفتن*، تحقیق: ضاء الله بن محمد المبارکفوری، ریاض، دارالعاصمة، اول، ۱۴۱۶ق.
- رضایی آدریانی، مجتبی، *بررسی آماری روایات علائم حتمی ظهور*، قم، مؤسسه آینده روشن، اول، ۱۳۹۷ش.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن ابی بکر، *العرف الوردی*، تهران، المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية، اول، ۱۳۸۵ش.
- شوشتری، نورالله، *إحقاق الحق*، قم، مكتبة آية الله مرعشی نجفی، اول، ۱۴۰۹ق.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الأثر فی الإمام الثاني عشر*، قم، وحدة النشر العالمية، اول، ۱۳۸۰ش.
- صدوق، محمد بن علی، *كمال الدين وتمام النعمة*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة، دوم، ۱۳۵۹ش.
- طباطبایی، محمدحسین، *تفسیر المیزان*، بیروت، اعلمی، دوم، ۱۳۹۰ق.
- طوسی، محمد بن الحسن، *الغیبة*، تحقیق: عبادالله طهرانی، قم، مؤسسه المعارف الإسلامية، سوم، ۱۴۲۵ق.
- _____، *تفسیر التبیان*، تحقیق: احمد حبیب عاملی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، اول، ۱۴۰۹ق.
- علی الصغیر، جلال الدین، *علامات الظهور بحث فی فقه الدلالة والسلوک*، بیروت، دارالاعراف للدراسات، اول، ۱۴۳۳ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، *التفسیر*، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعة العلمية، اول، ۱۳۸۰ق.
- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، تحقیق: طیب موسوی جزائری، قم، دارالکتب، سوم، ۱۳۶۳ش.
- کارگر، رحیم، «آینده پژوهی مهدوی»، *فصل نامه انتظار*، ش ۲۸، ۱۳۸۸ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- کورانی، علی، *عصر ظهور*، ترجمه: عباس جلالی، تهران، امیرکبیر، ششم، ۱۳۸۲ش.
- _____، *معجم أحادیث الإمام المهدي*، قم، مسجد جمکران، دوم، ۱۴۲۸ق.

- محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه امام مهدی، قم، دارالحدیث، اول، ۱۳۹۳ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
- مفید، محمدبن محمد، الإختصاص، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ق.
- _____، الإرشاد، قم، کنگره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ق.
- مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی أخبار المتظر، قم، مسجد جمکران، سوم، ۱۴۲۸ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیة، دهم، ۱۳۷۱ش.
- نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغیة، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، صدوق، اول، ۱۳۹۷ق.